

جامعه‌شناسی ایران از چند منظر

گزارشی از مباحث دومین همایش انجمن جامعه‌شناسی ایران

اشاره

«دومین همایش انجمن جامعه‌شناسی ایران» در زمینه کنکاش‌های مفهومی و نظری درباره جامعه ایران، ۲۵ و ۲۶ اردیبهشت‌ماه امسال با حضور استادان، صاحب‌نظران، پژوهشگران، دبیران، دانش‌جویان و علاقه‌مندان به مباحث علوم اجتماعی در «تالار ابن خلدون» دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد. مجله «رشد آموزش علوم اجتماعی» به‌منظور آشنایی دبیران علوم اجتماعی با مباحث و موضوعات مطرح شده در این همایش، در هر شماره گزیده‌ای از خلاصه مقالات این همایش را منتشر می‌کند. امید است که این اقدام به تبادل تجارب فکری و پژوهش و نیز افزایش و روزآمدسازی دانش اجتماعی دبیران علوم اجتماعی کشور کمک کند.

جامعه‌شناسی خانواده در ایران: چند مفهوم و نظریه

دکتر باقر ساروخانی

استاد پیشکسوت و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

اجتناب‌ناپذیر است. حوزه جامعه‌شناسی خانواده نیز از این قاعده مستثنا نیست. آنچه در ادامه می‌آید، چند مفهوم و نظریه در این حوزه از دانش است:

الف) در حوزه کلان: در کلان جامعه‌شناسی در ایران، چندگونه خانواده تمیز داده می‌شود:

• **خانواده فصلی:** خانواده‌ای است که یکی از ارکان آن معمولاً شوهر-به‌طور منظم، در

فصولی از سال دور از خانواده است.

• **خانواده دورزی:** منظور خانواده‌هایی است که در آن عواطف انسانی حاکم است، لیکن به دلیل الزام شرایط اقتصادی و گاه فرهنگی و یا اجتماعی، اعضای خانواده دور از یکدیگر زندگی می‌کنند. خانواده‌های دورزی را هم در سطح ملی می‌توان یافت، هم در سطح بین‌المللی.

• **خانواده اضطراری:** منظور خانواده‌ای است که دچار طلاق عاطفی یا طلاق خاموش یا هر دو شده است. لذا از خانواده جز اسکلتی باقی نیست. از دور زیبا، لیک از درون تهی است.

خانواده‌های دیگری نیز قابل تمیز هستند؛ نظیر خانواده فردی، ستاکی و... که طرح آنان در این چکیده میسر نیست.

ب) در حوزه خرد: تعبیه مفاهیم نو در هر حوزه، از جمله جامعه‌شناسی خانواده، در حوزه‌های خرد نیز ضرورت دارد. از این‌رو تلاش شده در این حوزه‌ها مفاهیم و نظریه‌های نو تولید شوند: اشتغال زنان، و عوامل و تبعات آن؛ خشونت در خانواده و انواع آن؛ شکاف نسلی در خانواده‌های ایرانی؛ هرم قدرت در خانواده؛ و...



تولید مفاهیم و نظریه‌های جدید در هر حوزه از دانش موجبات بقای دستاوردهای دانش را فراهم می‌آورد. بدین معنی که چنانچه هر محقق در هر رشته از دانش صرفاً به آمار و ارقام پراکنده بپردازد، تحقیق او ظرف چند دقیقه قدیمی می‌شود. زیرا واقعیت در حال حرکت سریع است. تمثیل رودخانه را به یاد آوریم: رودی را اکنون به آن می‌نگریم، یک

واقعیت است، اگر برگردیم و باز بنگریم، رودی دیگر خواهد بود. در حوزه دانش اجتماعی، تمثیل کتاب «خودکشی» اثر امیل دورکیم، قابل مطرح کردن است. چنانچه این دانشمند صرفاً به آمار خودکشی اکتفا می‌کرد، اثرش به زودی دچار قدمت می‌شد، لیکن او مفاهیمی جدید چون خودکشی دگرخواهانه، خودخواهانه و بی‌هنجار تولید کرد. سپس نظریه خلأ ارتباطی را مطرح ساخت و بدین‌سان اثرش پایدار شد.

مفاهیم موجب تقویت خزانه دانش می‌شوند. هیچ دانشی نمی‌تواند بدون چنین خزانهای فعالیت کند. چرا که نظریه‌ها و مفاهیم کلید شناخت واقعیت‌اند. با آن‌ها می‌توان واقعیت را دریافت، با آن‌ها واقعیت متغیر می‌شوند و بالاخره با آن‌ها واقعیت تعریف می‌شوند. این خزانه و قدرت و استحکام آن است که قدرت دانش را تولید می‌کند. یعنی جامعه‌بدان احساس نیاز می‌کند و حاضر است، برای آن دانش هزینه کند. مفاهیم و نظریه‌ها، به‌گفت‌وگویی اصحاب دانش کمک می‌کنند. شفافیت و استحکام نظریه‌ها، این گفت‌وگو را اعتلا می‌بخشد و خود موجبات قوام و ارتقای دانش را فراهم می‌آورد. بنابراین، تولید مفاهیم جدید و نظریه‌ها در دانش